

عطش تغییر و انتخابات

تحلیل ابوالفضل فاتح از انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو

ابوالفضل فاتح

نگاهی به تحولات اجتماعی و سیاسی از مشروطه تاکنون این دریافت را ایجاد می‌کند که برای ایرانیان، ملیت، دیانت و پیشرفت در بستر عدالت و آزادی همواره محوریت داشته است. ملت در جست‌وجوی حاکمیت و حاکمانی بوده و هستند که این پنجگانه را به شکل متوازن و واقعی، هم باور داشته و هم محقق سازند، گرچه کمتر به ایده آل خود دست یافته‌اند. نیل به این مهم، نیازمند پذیرش حکمت در حاکمیت و سطوحی برجسته‌تر از عقلانیت جاری در کشور است. عقلانیتی که این عناصر بنیادی را به رسمیت بشناسد، اصلاح نظام اولویت‌ها و اهتمام به توسعه متوازن، بازگشت به قانون و مولفه‌های مورد وفاق ملت و گره‌گشایی و ایجاد امید به آینده را در صدر برنامه‌های خود قرار دهد و قادر به دوراندیشی و ارائه «راه‌حل» باشد.

جامعه از بی‌تدبیری‌ها و ناکارآمدی‌ها و مناقشات و بگو مگوها خسته، بسیار متاثر و کم‌امید و مأیوس از مسوولان، اما در تلاش برای بازیابی خود است و نیازمند رییس‌جمهوری است که بتواند نظام امور و اولویت‌های کشور را بسامان برساند.

انتخابات یعنی امکان تغییر

چند نفر، به یک نفر؟

انتخابات در یک کلام، یعنی امکان تغییر. اگر از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، اسقاط مناسبات سلطنتی بود، این مهم جز به تحقق انتخابات واقعی، به فرجام نخواهد رسید. کسانی که تصور می‌کنند، می‌شود انتخابات و جمهوریت را تعطیل، اما فلسفه و اهداف انقلاب را حفظ کرد، دچار خیالبافی‌اند.

انتخابات واقعی، وقتی محقق خواهد شد که به مردم امکان تغییر در

سیاست‌ها، عناصر و شیوه حکمرانی داده شود، ولو رای به تثبیت بدهند. انتخاباتی که در آن امکان تغییر نباشد، نامش هر چه باشد، انتخابات نیست و آثار انتخابات که حل و فصل چالش‌ها و مدیریت تعارضات است نیز بر آن متصور نخواهد شد.

به رسمیت نشناختن منزلت جمهوریت و رویه‌هایی در چینش یا حذف بدون توضیح کاندیداها، نیازمند اصلاح اساسی است. نمی‌توان از طرف همه احزاب و جریان‌ات اعمال قدرت کرده و برای آنان مهره‌چینی کرد و مردم را وادار ساخت که به مهره‌هایی که چیده‌اند، رای دهند. این خلاف عدالت، قانون و شأن ملت است. در انتخابات جاری نیز نه تنها بسیاری از اساس کاندیدا نشدند و بسیاری بی‌دلیل به صحنه آمدند، بسیاری از شخصیت‌ها از جمله آقای جهانگیری و لاریجانی و حتی شخصیت‌های جناح اصولگرا و دولت بدون توضیح کنار گذاشته شدند (چنان که روزی مرحوم آقای هاشمی) و در آرایش نهایی کاندیداها نیز رعایت انصاف و حتی حفظ ظاهر نشده و پنج شخصیت در برابر یک شخصیت با گرایش متفاوت قرار گرفته‌اند؛ مردم می‌پرسند، چند نفر به یک نفر؟ در کجای دنیا سراغ دارید که در مرحله نهایی انتخابات، به یک جریان پنج برابر جریان دیگر، کاندیدا تعلق گیرد؟ مردم را چه فرض کرده‌ایم؟

«عطش تغییر» و «احیای صندوق»

به دلایل فراوان سیاسی و اجتماعی و به دلیل غوطه‌وری در مشکلات و فقدان راه‌حل، ایران در عطش تغییر به‌سر می‌برد. مردم از آنچه بر ایران می‌گذرد و از تبخترها و نشنیدن‌ها و بی‌افقی‌ها خسته شده‌اند. هرگاه عطش تغییر بالا گرفته است، مردم به کاندیدایی که عناصر تغییر را ارائه داده، فوج فوج اقبال کرده‌اند و نتیجه تازه‌ای رقم زده‌اند و اگر چنین نبوده، صندوق را ترک کرده‌اند.

در نتیجه چینش شورای نگهبان، آرایش فعلی کاندیداها، مملو از شخصیت‌هایی است که با همه احترام، تاکنون ایده «تغییر» نداشته‌اند و تغییر را نمایندگی نمی‌کنند. آنان اگر سیره سابق را بروند و در ادبیات و رویکرد خود تغییری ندهند، حداکثر همان میزان از مردم را به پای صندوق می‌کشانند که در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری سابق شاهد بوده ایم. آنان می‌توانند بر سر گرفتن سهمی از سبد آرای رییس‌جمهور فقید مرحوم آقای ریسی (حدود ۱۵ تا ۱۸ میلیون یا حداکثر مجموع آرای آقای ریسی و رضایی و قاضی‌زاده) رقابت کنند و شاید همان را هم نتوانند.

نتیجه سه انتخابات قبلی مجلس و ریاست‌جمهوری، کاستن از نصاب انتخابات به زیر ۵۰ درصد بوده است. تجربه نشان داد، عبور از مرز ۵۰ درصد، بدون حضور واقعی و همزمان تحول خواهان و کاندیدایی از جنس خودشان با احتمال برد میسر نخواهد شد. تنها نقش‌آفرینی واقعی و درصدی محسوس از احتمال برد است که می‌تواند انگیزه مشارکت ایجاد کند. از این رو به نظر می‌رسد این بار نوعی انتخابات مدیریت شده اما با نصاب بالاتر در دستور قرار گرفته است، به گونه‌ای که معادله دو سر بردی برای حضور کاندیدای اصلاح‌طلب و جریان همفکرش و هم برای سیاست‌گذاران کشور باشد که در نتیجه کاندیدای اصلاح‌طلبان به مرزهای نقش‌آفرینی بالاتری از انتخابات قبلی دست یابد و در سوی دیگر انتخاباتی با مشروعیت بالای ۵۰ درصد محقق شود.

چنان‌که می‌دانیم، پس از تغییر ساختار کشور از پارلمان‌تاری به ریاستی، انتخابات ریاست‌جمهوری از جدیت بیشتری برخوردار شد و در ایران به ظرفیت ۷۹ درصد سال ۷۶ یا ۷۳ درصد سال ۹۲ رسید. از ۸۵ درصد سال ۸۸ چیزی نمی‌نویسم که داستان دیگری دارد. با روال انتخاب‌های سال‌های اخیر، رسیدن به نصاب‌های ۷۶ و ۷۳، هنوز دشوار و خوش‌بینانه به نظر می‌رسد. اما در همین انتخابات جاری، اگر عطش مردم درک شود، و ایده و گفتمان و شعار تغییر در این انتخابات به واقع ارائه شود، مجدداً، ملت می‌توانند شاهد احیای صندوق رای با نصابی منطقی بوده و طبیعتاً آنگاه هر میزان رای اضافه شود، سهم کاندیدای «تغییر» بیشتر خواهد بود.

پزشکیان؛ شخصیت «متفاوت» و «بینابینی»

عرض شد که عطش به اصلاح، مردم را به کاندیدایی متمایز هدایت خواهد کرد. براساس سوابق دانشگاهی و سیاسی و اجرایی، شخصیت متفاوت آرایش فعلی انتخابات، آقای پزشکیان است که تنها نماینده اصلاح‌طلبان است. در کشور ما بسیاری از ساختارها و مفاهیم بینابینی است و همچنین دوگانه‌های فراوانی شکل گرفته است، ایشان شخصیتی بینابینی دارد که به نوعی بین اصلاح‌طلبان و سیستم قرار می‌گیرد. ایشان به صداقت و پاکدستی و مردم‌دوستی و تدین مشهور است. حامیان ایشان بر این باورند که ایشان می‌تواند کسی باشد که با به دست گرفتن پرچم تغییر به نفع انسانیت، عدالت و آزادی، به کسانی که با صندوق قهر کرده‌اند، این احساس را منتقل کند که اگر کسی در جست‌وجوی اصلاح و تغییر است تا حدی امکان واقعی آن در دسترس است. ایشان می‌تواند این تلقی را ایجاد کند که شکاف‌های کارآمدی و فساد و کم‌افقی و فقر اندیشه را با میدان دادن شخصیت‌های کارآمد و سالم

و صاحب‌فکر و برنامه و در تراز شخصیت‌های برتر دانشگاهی پر خواهد کرد، شخصیت‌هایی که در انحصارگرایی حاکم حذف شده یا انگیزه حضور را از دست داده‌اند. ایشان می‌توانند با شعارها و رویکردهای عدالتخواهانه و ضد تبعیض و حامیانه از طبقات عقب‌نگه داشته شده و زنان و اقلیت‌ها، بخشی از جریان‌ات «پروگرسو» کشور را که از تنگ‌نظری‌ها به تنگ آمده‌اند، جذب و به صحنه وارد کنند. ایشان کاندیدایی است که می‌تواند به تراز فعلی انتخابات بیفزاید و انتخابات پیشین را تا حدی به فراموشی بسپارد، و شانس این انتخابات به‌رغم طراحی‌ها باشد، اما این همه مشروط بر آن است که ایشان و تیم ایشان، خود «این نماینده تغییر بودن» را به رسمیت شناخته باشند و پاسخ مناسبی به عطش جاری بدهند تا عطش مردم فرو ننشیند. مردم نیازمند برنامه مشخص و پالسرهای شفافند تا تصمیم تازه‌ای بگیرند. نقش وعده‌های محسوس اقتصادی هر یک از کاندیداها را نیز صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این وعده‌ها که جای بحث آن اینجا نیست، نمی‌توان کم‌اهمیت پنداشت. با لحاظ فاکتورهای قومی و ارزیابی نتایج انتخابات مختلف تبریز در ادوار مختلف، ظرفیت رای آقای پزشکیان، دامنه عجیب و وسیعی دارد و بین ۲۵ درصد تا ۶۵ درصد کل آرای صندوق‌های پیش رو است و قرار گرفتن در هر جای این دامنه، کاملاً بسته به چگونگی و قدرت عملکرد ایشان و کمپین ایشان در پاسخ به عطش مردم و تاثیرگذاری بر رفتار انتخاباتی مردم با فاکتورهای پیش‌گفته دارد. طبیعتاً اتکای آقای پزشکیان به جامعه دانشگاهی و جوانان و زنان است. در بخش‌هایی از جامعه دانشگاهی جوشش‌ها و کوشش‌هایی درگرفته است. ویژگی این گروه چابکی، قدرت تولید محتوای کیفی و داشتن شبکه است. آنها اگر انگیزه و فرصت لازم را بیابند، می‌توانند به سرعت و از طریق رسانه‌های مجازی و حضور میدانی به بدنه اجتماعی در شهرهای بزرگ و کوچک و اقصی نقاط کشور دست یابند. آنها می‌فهمند که «ابرجمله‌ها» و «ابراجتماعات» از هزار پیام و اجتماع معمول کارسازتر است و در این صورت به سرعت می‌توانند کف رای آقای پزشکیان را ارتقا دهند و البته محدودیت ایشان قانع‌سازی و فعال‌سازی شبکه در زمان سه هفته‌ای است.

تحلیلی بر دامنه آرای احتمالی

کاندیداهای اصولگرایان در انتخابات قبلی، مجموعاً حدود ۲۲ و نیم میلیون رای را اعلام کرده‌اند (۱۸ میلیون آقای ریسی، ۳ و نیم میلیون آقای رضایی و یک میلیون آقای قاضی‌زاده) که حدود ۳۷ درصد کل واجدین شرایط بوده است. البته رای خالص اصولگرایان بسیار کمتر

از این است اما اگر در این انتخابات بتوانند همه آن رای یعنی حدود ۳۷ درصد را به صحنه آورند و جذب کنند، برای پیروزی بر ایشان در دور اول نیاز به بیش یا حدود ۲۳ میلیون رای و مجموع مشارکت حدود ۷۳ درصد است که این همان نصاب مشارکت در انتخابات سال ۹۲ نیز بود که آقای روحانی با اندکی بیش از ۵۰ درصد پیروز شد. راه دیگر آن است که نماینده اصلاح‌طلبان بتواند درصدی از آرای مستقل که در انتخابات قبلی جذب کاندیداهای اصولگرا شده بود را جذب کند یا اصولگرایان کمتر از نصاب معمول شرکت کنند یا آرای ایشان نسبت به انتخابات گذشته ریزش قوی داشته باشند. هر چه رای اصولگرایان ریزش بیشتری داشته باشد، چنان‌که در انتخابات مجلس به‌ویژه در شهرهای بزرگ شاهد بودیم، آنگاه کار برای نماینده اصلاح‌طلبان آسان‌تر خواهد بود یا مثلا آرای سه میلیونی آقای رضایی که تحت تاثیر وعده پرداخت چند صد هزار تومانی ایشان بود و آرای شناور به سمت آقای پزشکیان گرایش یابد که در این صورت، نماینده اصلاح‌طلبان با مجموع مشارکت کمتر یعنی حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد واجدین، یعنی با نصاب حدود ۱۷ تا ۱۹ میلیون (کمی کمتر یا بیشتر) هم می‌تواند در دور نخست پیروز شود.

برای دور دومی شدن، با توجه به نصاب احتمالی فعلی و احتمال انصراف برخی کاندیداهای اصولگرا، و تقسیم آرا بین کاندیداهای باقی مانده، نماینده اصلاح‌طلبان در صورت کسب حدود ۱۳ میلیون رای، قطعاً به دور دوم می‌رود، گرچه احتمال رفتن به دور دوم با چند میلیون رای کمتر حتی با هفت یا هشت میلیون، با ریزش شدن رای اصولگرایان وجود دارد به شرطی که یکی از نمایندگان اصلی اصولگرایان ناگهان به آرای نصاب ۵۰ درصد نرسد که البته با توجه به فضای انتخابات رسیدن به چنین نصابی الان برای هیچ یک از اصولگرایان به تنهایی میسر نیست، مگر آنکه با درخششی استثنایی یا رخدادی غیرمنتظره مواجه شویم که تا این لحظه نمود نداشته است.

پس با توجه به شرایط فعلی، دور اولی شدن انتخابات، برای کاندیدای اصلاح‌طلب نیازمند موج عظیمی است و با موجی میانه به احتمال بیشتر به دور دوم خواهد رفت و اگر موجی شکل نگیرد، چه بسا دور دومی شدن هم برای کاندیدای اصلاح‌طلب منتفی خواهد بود. جریان اصولگرا نیز احتمالاً برای کاستن از احتمال شکست خود تا روزهای پایانی انتخابات به دو یا سه کاندیدا تنزل خواهد کرد و گرایش بیشتر در این گروه پنج نفره به کاندیدای صاحب تشکیلات و برنامه و تامین‌کننده ثبات ضمنی عناصر دولت فعلی خواهد بود. البته آقای پزشکیان با سال‌ها نمایندگی مجلس، منطقیاً به موانع ساختاری و سیاسی و کارشکنی‌ها که

در برابر بسیاری از دولت‌ها قد علم کرده و مردم را مأیوس ساخته، وقوف دارند و میدانند که به همین دلیل قانع کردن نسل «زد» و زنان و تحول‌خواهان و مردم بیگانه شده با انتخابات و حاکمان مخصوصا در شهرهای بزرگ، کار چندان آسانی نیست، به ویژه که بسیاری در این سال‌ها از خشونت‌های اجتماعی و سیاسی و تحمیل‌ها رنج دیده‌اند و بزرگانی خانه‌نشین شده و هنوز آقای مهندس موسوی و خانم رهنورد و آقای کروی در حصر و امثال آقای بهزادیان و بهشتی شیرازی و تاجزاده در زندانند. ایشان و هر یک از کاندیداها اگر بتوانند نسبت به این رنج‌ها و مطالبات و نسبت به کرامت مردم هر جا که مورد تعریض قرار گرفته و می‌گیرد، بی‌تفاوت نبوده و مدافع حقوقشان باشند، می‌توانند از جمع قهرکنندگان با صندوق، درصدی را به صندوق بیفزایند و اگر پیروز هم نشوند، با دفاع از مردم گام بزرگی برداشته‌اند. و الا، نتیجه‌ی نهایی، صرفا تثبیت روند موجود با انتخاباتی معمولی است.

یادآوری این نکته نیز بد نیست که، خوشبینی بیش از حد به حضور حداکثری مردم با توجه به بی‌مهری‌هایی که دیده‌اند یا به نتیجه‌هایی که از سوی اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان که در برخی یادداشت‌ها دیده می‌شود، نیازمند تامل است. جهت و تمایز این انتخابات قابل درک و پیش‌بینی است اما، انتخابات ماهیتا نیازمند تلاش فراوان است و تضمینی ندارد و لحظات، به ویژه آغاز و پایان همچون «تیک آف» و «لندینگ» بسیار تعیین‌کننده و هر خطا یا مانع به شدت نوسان آفرین است و هر گام به عقب، به دو گام فاصله از رقیب منتهی خواهد شد. چه بسا اول آسان می‌نماید، اما شاهد بوده‌ایم چه موانعی در مسیر رخ می‌دهد و چه افت و خیزها در پیش است و برای اصلاح‌طلبان از چه پیچیدگی‌های جدیدی نیز برخوردار است! علاوه، اصلاح‌طلبان هم با تردیدهای درون جبهه‌ای و بدنه‌ای مواجه هستند و هم با توپخانه تبلیغاتی پنجگانه رقیب، که از حمایت خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بزرگی نیز برخوردار است و هم در انتخابات زودرس و فشرده جاری، که فرصت شبکه‌سازی اندک است، «پرفورمنس» شخص کاندیدا محوریتی مضاعف داشته و مناظرات بسیار تعیین‌کننده بوده و هر گفت‌وگو و فرازی می‌تواند موج‌آفرین یا ضدموج باشد و طراحان مناظرات نیز می‌توانند از آن نمونه‌ای هیجان‌انگیز یا کسل و ضد مشارکت بسازند. ارزیابی‌های روشن‌تر را از میزان مشارکت و پدیده‌های انتخابات به بعد از یکی، دو مناظره نخست واگذار می‌کنیم. ضمنا به یاد داشته باشیم که انتخابات قبلی ریاست‌جمهوری همزمان با ششمین دوره انتخابات شوراها به انجام رسید و همان حضور هزاران کاندیداهای شوراها، به سهم خود

بر فرآیند حضور مردم تاثیرگذار بود.

به نظر می‌رسد نسبت به انتخابات پیشین ریاست جمهوری، درصد بیشتری از اصلاح‌طلبان شرایط جدید را واجد «امکان تغییر» و فرصتی می‌دانند تا بخشی از دشواری‌های سیاسی و معیشتی و بخشی از تهدیدهایی که علیه استقلال و تمامیت کشور است را با تغییر از مسیر صندوق رای ترمیم کنند. چرا که در یکدستی قدرت و تسلط جریان دیگر، این مشکلات را مضاعف دیده‌اند و لذا گرچه در انتخابات پیشین شرکت نکرده‌اند به احتمال فراوان در این انتخابات شرکت می‌کنند و آرای باطله نیز دوم نخواهد شد. آنها خواهند کوشید درصد بیشتری از مردم را به پای صندوق های رای بکشانند تا احتمال پیروزی کاندیدای اصلاح طلبان را ارتقا ببخشند و به نوعی تا اینجا از شواهد انتظار می‌رود که مشارکت اکثریتی از مردم در انتخابات رخ خواهد داد. طبیعتاً درصدی نیز این میزان تغییر را مکفی مفهوم انتخابات نمی‌دانند و مشارکت را تایید نمی‌کنند. گفت و گوی ملی اقتضا دارد، هر دو گروه به شیوه تعامل متفاوتی که در پیش گرفته‌اند و به چگونگی کاربست آزادی حق رای احترام بگذارند. روشنگری و تحلیل و تشویق و نقد مانعی ندارد، چرا که همه در برابر مواضع خود و نسبت به میهن خود و ایمان خود مسوولیم، اما نمی‌توان تعریض کرد.

در این مجال پیشنهاد می‌شود:

الف - از تریبون انتخابات، رو به مردم و از مردم و برای مردم سخن گفته شود و همه ملت دیده شوند، همه اقشار، اقوام، اصناف و ایرانیان داخل و خارج و همه آنها که کاندیدا دارند و آنها که کاندیدا ندارند و آنها که شرکت می‌کنند و آنها که شرکت نمی‌کنند.

مردم باید و نباید از مسوولان بسیار شنیده‌اند، وقت گفتن از مردم است؛ قبلاً عرض شد ای کاش رییس‌جمهور، رفیق‌جمهور باشد. وقتی از دردها و حقوق همه سخن گفته شود و همه مخاطب باشند، آن گاه همه نیز رو به سوی شما و برای شما خواهند بود. ملت را باید همه ملت دید و از تجزیه و شقه‌شقه کردن ملت پرهیز کرد. شمولیت (فراگیری) و توازن یک راهبرد ضروری است. یکی از موضوعاتی که مردم را شقه‌شقه کرده است همین روش برگزاری انتخابات گزینشی است.

ب- چنان‌که عرض شد جامعه ما عمیقاً جوهره انسانی دارد و از نادیده گرفتن این جوهره در بسیاری از عملکردها و سیاست‌های مسوولان عمیقاً رنج می‌برد. انتظار می‌رود دردمندی انسانی و اهتمام به رنج‌های مردم

هر کس که هستند و هر کجا که هستند در تکتک کلمات و سکناات کا ندیدا موج بزندا.

ج - حریم خصوصی و آزادی‌های شخصی دغدغه مستمر مردم است. مردم از کسانی که افکار خصوصی خود را به افکار عمومی تحمیل می‌کنند، رنج بی‌شمار برده‌اند. بالاخره کسی باید این مردم و آزادی‌هایشان را به رسمیت بشناسد و سبک زندگی خصوصی خود را به مردم تحمیل نکند.

د - تبعیض و تحمیل آپارتاید سیاسی و اقتصادی از سوی جریان‌اتی انحصارطلب و خودمحور، از رنج‌های عمیق مردم است که هر روز یافتن راه‌حل برای آن دشوارتر می‌شود. چه آپارتاید سیاسی روشن‌تر از اینکه یک جناح به خود اجازه داده است تا ترکیب کا ندیداها را بچیند و خود را نسل برتر میدان بداند و پنج را در برابر یک قرار دهد و بسیاری دیگر را حذف کند و چه آپارتاید اقتصادی بدتر از اینکه شکاف طبقاتی بیداد می‌کند و بسیاری از منابع در اختیار قدرت‌های پشت پرده و آقا زاده‌های سیاست و رانت‌خوار قرار گرفته و میلیون‌ها مردم در فقر و دشواری دست و پا می‌زنند. در هر فرصت و پیام، باید سیاست‌ها و جریان‌اتی که کشور را دچار فساد، شقاق اجتماعی و فقر و دیگر عقب‌ماندگی اقتصادی و انزوای جهانی و در یک کلمه کم‌افقی ساخته‌اند، خطاب قرار داد و نقد کرد و در مردم این باور را ایجاد کرد که دردهایشان به رسمیت شناخته شده است.

و- استقلال کشور از دخالت شرق و غرب دغدغه مردم است. مردم به خدعه شرق و زیاده‌خواهی غرب واقفند و در جست‌وجوی روابطی مبتنی بر منافع ملی و کمترین تنش با همه جهان هستند. کا ندیدای محترم باید بتواند حداقل در حیطه اختیارات دولت به مردم قول صیانت از منافع ملی در قالب سیاست خارجی متوازن بدون هرگونه ملاحظه‌ای را بدهد.

ه- دیدگاه و بیان حکیمانه و محققانه و صریح و فاخر و برخاسته از ریشه‌های دینی و ملی، هم نیاز کشور است و هم نقطه قوت کا ندیدا. ممکن است کسانی به ادبیات کوچه خیابانی (پوپولیسم منفی) تشویق کنند. شکیبایی سیاسی و خویشتنداری کلامی ضرورت دارد. این نقطه قوت (ادب و حکمت)، خیلی زود هر کا ندیدایی را یک سر و گردن از بقیه بالاتر خواهد نشانند. خوشبختانه اکثریت ملت دانش‌آموخته‌اند و آثار مدیران کم‌دانش و ناکارآمدی‌ها را در مشکلات و فقر روزمره و گره‌های کور تا مغز استخوان حس می‌کنند و تشنه مدیران اهل دانش و دلسوز و گره‌گشا با رویکرد ملی هستند.

ط- پیشقدمی در اعلام شعار و رئوس برنامه، یک راهبرد مهم است. این پیشقدمی در برنامه برگ برنده بسیار ارزشمندی خواهد بود. برنامه خوب، برنامه‌ای است که بتواند پاسخ مناسب و شفاف و سنجیده‌ای به دغدغه‌های پیش‌گفته، غرور ملی و نوسازی و توسعه کشور و سرشار از امید و بازگشت توازن به سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور با تغییرات معقول و به دور از کلی‌گویی‌های غیرمحسوس باشد.

در انتهای کار انتظار می‌رود چنان رویکردهایی اتخاذ گردد که تلقی مردم از کاندیدا یک کاندیدای «حکیم و ملی و متدین» و «شخصیتی جدید و مستقل و قابل اتکا و اصیل -اوريجینال- و جهان‌دیده» با «قدرت تصمیم‌گیری و پیش‌بینی و راه‌حل» برای اصلاح امور کشور باشد. چشم مردم پر است از شخصیت‌های غیرمستقل و دست‌پرورده و گوش مردم پر است از شعارها و وعده‌های عمل نشده.

کشور نیازمند افق و مردم نیازمند برنامه مشخص و شفافند. مردم حق دارند بدانند پس از چهار سال یا هشت سال با این کاندیدا، چه تغییری را در معیشت و سیاست و جامعه شاهد بوده و کشورشان در هر زمینه داخلی یا خارجی دقیقا به کجا خواهد رسید؟ مردم حق دارند بدانند با این کاندیدا به کجا می‌روند؟ کاندیدایی که بتواند چنین کند، گامی بزرگ به سوی توسعه برداشته است.

نهایتا همه دغدغه و زمزمه و غلغله انتخابات نباید این نکته مهم را نزد کاندیداها و رای‌دهندگان به فراموشی بسپارد که این حضور به معنی تایید روندهای غلط استصوابی و محروم ساختن ملت از دیگر کاندیداهای متخصص و کارآمد و به منزله تایید انتخابات‌های تاکسیدرمیک اخیر نیست. نمی‌شود هرگاه آقایان خواستند اجازه دهند جریان‌های نماینده‌ای آن‌هم به سلیقه آنها داشته باشند و هرگاه نخواستند حذف کنند و انتخابات را به محاق بکشانند.

منبع: روزنامه اعتماد 24 خرداد 1403 خورشیدی